



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigating The Paradoxical Use Of Kaleem Kaashaani’s Poem
From four perspectives of content, aesthetics, mysticism and two-way communication

Z. Rahemi, A. Rezapourian*, M. Hakimazar

Department of Persian Language and Literature, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 March 2019

Reviewed: 05 May 2019

Revised: 20 May 2019

Accepted: 31 May 2019

KEYWORDS

Kalim’s poems, facets of paradox, semantics, aesthetics, mutual distance, andgnostic points of view.

*Corresponding Author

✉ rezapourian@gmail.com

☎ (+98 38) 33361042

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Paradox is one of the factors of unfamiliarity and prominence of words in poetry. This literary technique has been used more or less in Persian literature since the sixth century AH and in the tenth century AH, it has become a prominent feature of the Indian style. This face of imaginary faces that appears in the poems of Kaleeme Kaashaani with considerable frequency, leads the reader’s mind to discover the relationship between two seemingly contradictory words, to be able to take special pleasure in receiving the new semantic load of words and to understand how the hidden truth behind this contradictory appearance causes incompatibility between incompatible parties. The present study has examined the paradox in the collection of poems of Kaleeme Kaashaani and has analyzed various effects according to four perspectives:




‘content, aesthetics, mysticism and the distance and relationship between the paradoxical parties ‘

METHODOLOGY: This research has been done by descriptive-analytical method.

FINDINGS: One of the most important reasons for the existence of paradoxical images in the poems of the mentioned poet is the expression of high mystical meanings and truths, especially cases related to poverty, prosperity and unity of existence, which often have abstract themes and contents, and ordinary language cannot express them. In general, recognizing paradoxes and interpreting them, makes us more familiar with Kaleem’s poetic thought and language and of course it helps in understanding the style, concept and thematic and contentic features of his poetry collection.

CONCLUSION: The result of the research show that from the content point of view, more than eighty percent of the paradoxes in the poems of Kaleem are interpretive ones ; from an aesthetic point of view the combination of paradoxes with expressive techniques is more frequent than novel ; in terms of distance between the two sides of the contradiction , most of them are documentary ; at the same time , Kaleem has used paradoxes to express mystical issues . In general by using this rhetorical technique , the language of Kaleem has been highlighted and achieved a stylistic identification .

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.4563](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.4563)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 15	 0	 0

نشریه سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی کاربرد متناقض‌نمایی در اشعار کلیم کاشانی از چهار دیدگاه محتوایی، زیباشناسی، عرفانی و ارتباط دوسویه

زهره راحمی، اصغر رضاپوریان* (نویسنده مسئول)، محمد حکیم آذر

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، ایران

چکیده:

زمینه و هدف: پارادوکس یا متناقض‌نما، یکی از عوامل آشنایی‌زدایی و برجستگی کلام در شعر است. این شگرد ادبی، از قرن ششم در ادبیات فارسی کم‌وبیش بکار رفته و در قرن دهم به یکی از ویژگی‌های برجسته سبک هندی تبدیل شده است. این صورت از صور خیال که در اشعار کلیم کاشانی با بسامد قابل توجهی جلوه‌گری مینماید، ذهن خواننده را برای کشف رابطه بین دو کلمه به ظاهر متناقض سوق میدهد، تا بتواند با دریافت بار معنایی جدید کلمات، لذتی خاص را بیابد و دریابد که چگونه حقیقت پنهان در پس این ظاهر متناقض‌نما سبب نلسازگاری میان طرفین نلسازگار شده است. پژوهش حاضر، پارادوکس را در دیوان کلیم کاشانی بررسی کرده و جلوه‌های متنوع آن را با توجه به چهار دیدگاه «محتوایی، زیبایی‌شناسی، عرفانی و فاصله و ارتباط طرفین پارادوکس» تجزیه و تحلیل کرده است.

روش مطالعه: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است.

یافته‌ها: یکی از مهمترین دلایل وجود تصویرهای پارادوکسی در اشعار او، بیان معانی و حقایق عالی عرفانی، علی‌الخصوص موارد مربوط به فقر و فنا، و وحدت وجود است که اغلب موضوعات و مضامینی انتزاعی هستند و زبان عادی از بیان آنها قاصر است. بطور کلی شناخت پارادوکسها و تفسیر آنها ما را با اندیشه و زبان شعری کلیم بیشتر آشنا میسازد و بالطبع در درک و شناخت سبک، مفهوم و ویژگی‌های موضوعی و مضمونی دیوان او کمک میکند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان میدهد از منظر محتوایی بیش از ۸۰ درصد متناقض‌نماها در اشعار کلیم تعبیری است؛ از منظر زیبایی‌شناسی بسامد ترکیب متناقض‌نما با شگردهای بیانی بیشتر از بدیعی است؛ از منظر فاصله دوسویه تناقض بیشتر آنها اسنادی هستند؛ ضمن اینکه کلیم برای بیان مباحث عرفانی هم از متناقض‌نما بهره برده است. بطور کلی با بهره‌گیری از این شگرد بلاغی، زبان کلیم برجسته شده و به تشخیص سبکی رسیده است.

تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ۱۳۹۸

تاریخ داوری: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸

تاریخ اصلاح: ۳۰ اردیبهشت

تاریخ پذیرش: ۱۰ خرداد ۱۳۹۸

کلمات کلیدی:

متناقض‌نمایی، کلیم، زیبایی‌شناسی، عرفانی، محتوایی، ارتباط دوسویه

* نویسنده مسئول:

rezaporian@gmail.com

۰۴۴ ۳۳۳۶۱۰۳۸ (+۹۸ ۳۸)

مقدمه

متناقض‌نما یا پارادوکس (paradox) برگرفته از واژه paradoxum در لاتین است که منشأ آن هم واژه یونانی paradoxon است، مرکب از para به معنی مقابل یا «متناقض با» و doxa به معنی عقیده و نظر (متناقض‌نمایی در شعر فارسی، چناری: ص ۶۸). متناقض‌نما در اصطلاح ادبی یکی از انواع آشنایی‌زدایی و شگردهای برجسته و شگفت‌انگیز ادبی است و آن کلامی است ظاهراً متناقض با خود یا مهمل که دو امر متضاد یا ناساز را جمع کرده و با باورهای عرفی، عقلی، شرعی و منطق عادی ناسازگار است (شگردهای متناقض‌نمایی (پارادوکس) زیبایی‌شناسی، گلی و بافکر: ص ۱۳۳). صاحب‌نظران درباره این شگرد ادبی تعاریف و نظرات گوناگونی ارائه کرده‌اند، از جمله: (زیباشناسی سخن پارسی (بدیع)، کزازی: ص ۱۸۵) در تعریف پارادوکس می‌گوید: «با نگاهی گسترده و اندیشه‌ای دامن‌گستر می‌توان بر آن بود که بازتاب و نموداری از دوگانگان یگانه و یا پیوستگان ستیزنده که پدیده‌های گیتی را هستی بخشیده‌اند، در قلمرو ادب آرایه‌ای است نغز و نیک هنری که آن را ناسازگاری هنری مینامیم» (متناقض‌نما در ادبیات، وحیدیان کامیار: ص ۸۸) و نیز معتقدند که «نقش تضاد و طباق (متناقض‌نما) برانگیختن تعجب است از راه تکیه بر امور خلاف عرف و عادت و منطق و از راه گزیدن با دو تیغه مقراض تناقض». این آرایه ادبی که یکی از عوامل اعجاب‌انگیز موسیقی کلام است، با آرایه تضاد تفاوت دارد؛ زیرا در تضاد ناسازگاری لغات با یکدیگر است، اما در پارادوکس این تضاد در دو امر متفاوتی است که به ظهور امر سوم میانجامد. راستگو نیز در زمینه پارادوکس معتقد است «خلاف‌آمد حاصل اجتماع و همزیستی دو مفهوم متضاد یا متناقض است؛ همان چیزی که از نظر عقل محال و ناشدنی است و ببتدید از عوامل بلاغت‌افزایی است که پایه و مایه سخن را بالا میبرد» (خلاف‌آمد، راستگو: ص ۲۹).

پارادوکس مهمترین نوع تضاد است و وقتی است که منجر به معنای غریب بظاهر متناقضی شود که با امور عرفانی، مذهبی، ادبی قابل توجیه است و از مختصات مهم متون عرفانی است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۱۱). بنابراین بیان معانی و حقایق عالی عرفانی چون عشق و توحید و تجرید در مقامی فراتر از عقل، خود بیان خلاف‌آمد و عرف و عادت است. متناقض‌نمایی در بسیاری از آثار عرفانی منظوم و منثور ادبیات فارسی بکار رفته است و در شعر فارسی از قرن ششم به بعد بسامد زیادی دارد و در سبک هندی به اوج خود میرسد.

تصویرسازیهای بدیع و الفاظ تازه اساس شعر سبک هندی است. شاعران این سبک در پی دستیابی به شگردهایی بودند که به یاری آن، اشعار نو و تازه خود را بسرایند. پارادوکس و تصاویر پارادوکسیکال یکی از این شگردهاست که بوفور مورد توجه شاعران این سبک بوده و بسامد بسیار بالایی در شعر آنها دارد. دلیل این امر تناسب و اشتراکات کارکردهای پارادوکس با معیارهای زیبایی‌شناسی شاعران و ناقدان آن دوره و بوطیقای شعر سبک هندی است (بررسی دلایل افزونی بسامد پارادوکس در سبک هندی، اسماعیلی و حسن‌پور آلاشتی: ص ۲۱). یکی از شاعرانی که از این شگرد در اشعارش بسیار بهره برده، کلیم کاشانی است.

ابوطالب کلیم کاشانی در ایران و هند به کلیم همدانی نیز مشهور بوده است. درباره تاریخ و محل تولد او اتفاق نظری وجود ندارد، برخی وی را اهل کاشان و برخی او را همدانی می‌خوانند. مؤلف تذکره/تشکده/آذر وی را کاشانی‌الاصل میدانند (تذکره آتشکده، بیگدلی: ص ۵۷۰). این شاعر سبک هندی صاحب دیوان شعری (بالغ بر ۱۱۰۰ بیت) و مثنوی پادشاهنامه یا ظفرنامه شاهجهان می‌باشد، و از مقام و منزلت خاصی بالاخص در هندوستان برخوردار بوده تا بدانجا که به مقام ملک‌الشعرایی دربار شاه جهان رسیده است. اگرچه شهرت وی بیشتر در غزلیات است، در چندین قالب شعری دیگر از جمله قصیده، مثنوی و رباعی نیز طبع‌آزمایی نموده

است. او با کمک ذهن خلاق و اندیشه‌های موشکافانه خویش تمام امکانات زبانی را که در اختیار دارد، بکار می‌گیرد تا بتواند با زبانی ادبی اما به دور از هر گونه تکلف و تعقید لفظی و معنوی، به خلق مضامین حکمی، عرفانی، اجتماعی و غنایی پردازد (مقدمه دیوان کلیم، بیضایی: ص نوزده).

سبک کلیم میان دو سبک عراقی و هندی است؛ یعنی نه بطور کامل هندی است و نه بطور کامل عراقی. ولی میتوان گفت به اقتضای زمان بیشتر به سبک هندی متمایل بوده است (همان: ص بیست). هنجارشکنیها و وسعت خیال کلیم از عواملی است که باعث برجستگی کلام او شده است. هنگامی که اشعار او با شگردهای بیانی و بدیعی آمیخته میشوند، بر گیرایی و دلنشینی مضامین اشعار او افزوده میشود.

یکی از شگردهایی که کلیم در اشعارش بهره زیادی از آن برده، پارادوکس یا متناقض‌نماست. شناختن این شگرد به ما یاری میکند آثار ادبی-عرفانی را هم از حیث طرز تفکر و هم از لحاظ بلاغت، سبک‌شناسی و نقد ادبی بهتر بشناسیم. در این مقاله نشان داده میشود که چگونه کلیم میکوشد از طریق هنجارشکنی تصویر و زبان، به مضامین نو و معنی بیگانه دست یابد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع نظری و مقوله کتابخانه‌ای است که اطلاعات آن با رجوع به دیوان کلیم کاشانی (بالغ بر ۱۱۰۰۰ بیت) و سایر منابع ضروری گردآوری شده است. روش پژوهش تحلیلی-توصیفی است و با توجه به امکانات متنوع زبانی و ادبی بکارگرفته‌شده در متن، چند شاهدمثال از هر مورد ارائه شده است. شیوه ارجاع و آدرس بترتیب شماره بیت از دیوان کلیم، به تصحیح حسین پرتو بیضایی است.

اهمیت و سابقه پژوهش

مقالات و پژوهشهای بسیاری درباره پارادوکس، متناقض‌نما و کارکرد آن در آثار شاعران بزرگ ادبیات فارسی به رشته تحریر درآمده است. این پژوهشگران شیوه‌های متناقض‌نمایی در آثار گویندگانی چون خاقانی، حافظ، و صائب تبریزی را عموماً بر پایه الگوی نظری کسانی چون شفیع‌الدکنی، چناری، و راستگو در باب پارادوکس و انواع آن، بررسی و تجزیه و تحلیل کرده‌اند. گلی و بافکر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای پارادوکسهای ادبیات فارسی را از دیدگاه زیبایی‌شناسی بررسی کرده و در پژوهشی دیگر (۱۳۹۷) همین مقوله را بر اساس دیدگاه محتوایی بررسی نموده‌اند. پژوهشهای بسیاری نیز درباره اشعار کلیم کاشانی انجام شده که نزدیکترین آنها به موضوع پژوهش حاضر بدین شرح است: ابراهیمی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود تعبیر و تصاویر پارادوکسی اشعار حزین لاهیجی و کلیم کاشانی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که در کنار عوامل درون‌متنی، عوامل برون‌متنی نیز در بوجود آمدن این تصاویر و تعبیر دخیل هستند. توحیدیان در رساله دکتری خود، معانی و مضامین متضاد در سبک هندی را بررسی کرده است. او معتقد است تناقض‌گویی در شعر صائب و بیدل در مقایسه با کلیم و جوای تبریزی از بسامد بالاتری برخوردار است؛ توحیدیان و نصرتی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تناقض‌گویی و تضاد معانی و مضامین را در شعر کلیم پژوهیده و به این نتیجه رسیده‌اند که کلیم از پیشگامان خلق مضامین مخالف با سنت ادبی رایج پیش از خود بوده است. اما نزدیکترین پژوهش به موضوع این مقاله، پژوهش بهزادی اندوهجردی و شریفی (۱۳۹۲) است که پارادوکس و گونه‌های مختلف آن را در نسخه خطی مثنوی «پادشاهنامه» از کلیم کاشانی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که پارادوکس آرایه غالب این مثنوی است و زمینه بیان حقایق

متضاد را فراهم کرده است. با توجه به مبحث مهم پارادوکس ضروری بنظر می‌رسد در طیفی گسترده‌تر متناقض‌نما در تمام اشعار کلیم کاشانی (بالغ بر ۱۱۰۰۰ بیت)، با چهار دیدگاه محتوایی، زیبایی‌شناسی، فاصله دوسویه ارکان متناقض‌نما، و دیدگاه عرفانی، مورد بررسی، تشریح و تبیین قرار گیرد. پژوهش حاضر برآن است تا ضمن به‌تصویر کشیدن و شناساندن هرچه بیشتر این آرایه، نشان دهد که چگونه کلیم با هنرمندی تمام از این عنصر ادبی بهره‌جسته و توانسته است پیام و سخن خویش را برای خوانندگان اشعارش دلپذیرتر نموده و التذاذ هنری را در آنها برانگیزد.

بحث و بررسی

پژوهشگران، نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی برای بررسی متناقض‌نما در ادبیات ارائه کرده‌اند؛ در این پژوهش، نگارنده تمام دیوان کلیم را بررسی و همه متناقض‌نماها را استخراج کرده است، سپس آنها را با توجه به چهار دیدگاه محتوایی، زیبایی‌شناسی، فاصله دوسویه ارکان متناقض و در پایان از نگاه عرفانی بررسی و برای هر بخش نمونه‌هایی از دیوان اشعار کلیم ارائه و تجزیه و تحلیل کرده است.

متناقض‌نمای محتوایی

متناقض‌نمای محتوایی، کلامی است که در ورای ظاهر متناقض و مهملش، حقیقتی مخالف با آن ظاهر نهفته است؛ ازاینرو ارائه این واقعیتهای چون با منطق عادی و باورهای عرفی، عقلی و شرعی منافات دارد، در وهله اول، متناقض بنظر می‌رسد (متناقض‌نما در ادبیات، وحیدیان‌کامیار: صص ۲۷۷-۲۷۱). این ناسازگاری و تناقض چندان شگفت‌انگیز است که موجب کنجکاوی ذهن و تلاش برای یافتن حقیقت نهان در ورای آن از طریق تفسیر و تأویل می‌شود. در متناقض‌نماهای محتوایی، کار شاعر و نویسنده، درک واقعیتهای پنهان از ورای ظاهر و ارائه آنها است. در واقع سخنور، در این نوع متناقض‌نماها برای زیبایی‌آفرینی، دست به خلق متناقض‌نما نمی‌زند؛ بلکه خود واقعیتهای را می‌آورد و مفاهیم متناقض را نشان می‌دهد و این واقعیتهای هستند که در نگاه اول، تکان‌دهنده، عجیب، غیرمنطقی و متناقض بنظر می‌رسند و ارزش متناقض‌نمایی و زیبایی‌آفرینی پیدا می‌کنند. متناقض‌نماهایی که جنبه عرفانی، مذهبی و فلسفی دارند، از مقوله محتوایی هستند (پارادوکس محتوایی در شعر فارسی، گلی و بافکر: ص ۱۳۶) کلیم کاشانی از متناقض‌نماهای محتوایی در اشعارش بسیار بهره برده است. این متناقض‌نماها را از حیث ساختاری میتوان به دو دسته تعبیری و ترکیبی تقسیم کرد:

متناقض‌نماهای تعبیری در شعر کلیم

گاهی متناقض‌نمایی و خلاف‌آمد عادت در مفهوم یک مصراع یا بیت، بصورت عبارت یا تصویر و تعبیر بکار می‌رود. در این نوع تصاویر، چون خواننده برای دریافت حقیقتی که در ورای ظاهر متناقض است، کنجکاوی و تلاش زیادی از خود نشان می‌دهد، از کشف حقیقت لذت می‌برد؛ بنابراین این نوع متناقض‌نماها، در مقایسه با متناقض‌نماهای ترکیبی، ارزش هنری و زیبایی‌شناسی بیشتری دارند. (پارادوکس محتوایی در شعر فارسی، گلی و بافکر: ص ۱۳۷). در شعر کلیم این نوع متناقض‌نما بسامد چشمگیری دارد و بیش از ۸۰ درصد از آنها، متناقض‌نمای تعبیری هستند. در ادامه تعدادی از ابیات دارای متناقض‌نمای تعبیری ذکر و تشریح شده‌اند.

سود سفر: بدست دادن سرمایه / ناامنی جاده از بی‌رهزنی

در هر دو مصراع بیت زیر متناقض‌نما بکار رفته است؛ شاعر در مصراع اول سود سفر را که سرمایه بدست آوردن است، سرمایه ازدست دادن معرفی کرده و در مصراع دوم درحالی‌که ناامنی راهها به راهزنان است، آن را به بی‌رهزنی نسبت داده است:

نزد ما سود سفر سرمایه از کف دادن است راه ما ناامن خواهد شد چو بی‌رهزن شود
(دیوان کلیم: ص ۲۰۱).

خانه‌ها تاریک از روزن بودن

مصراع دوم بیت زیر دارای متناقض‌نما است؛ درحالی‌که معمولاً در سقف خانه‌های قدیمی برای ورود نور و تهویه هوا روزنهایی تعبیه می‌شده است، برخلاف آن، شاعر علت تاریکی خانه‌ها را به روزن نسبت داده و از این طریق متناقض‌نما خلق کرده است:

دیده تا بازاست راه نور بر دل بسته است خانه‌ها در شهر ما تاریک از روزن شود
(همانجا).

کمک فقرا به اغنیا

شاعر با ساختن یک اسلوب معادله، کمک فقرا به اغنیا را در مصراع اول که متناقض‌نماست، توجیه کرده است. عرف بر این است که اغنیا از ثروت خود به فقرا میبخشند، حال اینکه شاعر در مصراع اول معتقد است اغنیا چشم به دست و کمک فقرا دارند و از این طریق متناقض‌نما ساخته است:

گرچه محتاجیم چشم اغنیا بر دست ماست هر کجا دیدیم آب از جو به دریا می‌رود
(همان: ص ۱۹۴).

جلای آینه از دم گرم

نفس گرم همیشه آینه را کدر و تار میکند. شاعر با استفاده از این مسئله، تعبیری متناقض‌نما خلق کرده است. او میگوید: دم گرم من موجب جلای آینه میشود نه کدر شدن آن و این تعبیری پارادوکسیکال است:

بس که آمیخته خاکستر دل با نفسم از دم گرم من آینه جلا می‌گیرد
(همان: ص ۱۳۴).

زهر گرفتن از مسیح

معجزه حضرت عیسی (ع) زنده کردن مردگان و جان دادن به پرنده‌گان است، حال آنکه شاعر با نسبت دادن زهر (سبب مرگ) به حضرت عیسی (ع) خلاف این مسئله را بیان کرده و متناقض‌نما خلق کرده است:

با چنین طالع وارون چه توان کرد کلیم؟ زهر تا چند، کس از دست مسیحا گیرد؟
(همان: ص ۱۳۳).

خوش بودن درد بی‌دوا

درد همواره برای بیمار کشنده و رنج‌آور است، بویژه اگر این درد بی‌درمان هم باشد. درحالی‌که شاعر خلاف این قضیه را مطرح میکند و با آوردن یک متناقض‌نما در بیت زیر، بطور کلی درد را خوش می‌پندارد و بی‌درمان بودن آن را نیز مزیت میداند:

کشنده‌تر ز مرض، ممت طیبیان است خوش است درد به شرطی که بی‌دوا افتد
(همان: ص ۱۰۰).

روشن شدن چراغ مرده از باد

شاعر با آوردن متناقض‌نما، اوج برافروختگی معشوق را بشکل اغراق‌آمیز نشان داده است. درحالی‌که چراغ روشن با وزش باد خاموش می‌شود، شاعر خلاف این مسئله را ذکر کرده و معتقد است که بادِ دامن معشوق قادر به روشن کردن چراغ خاموش است و تعبیری پارادوکسیکال بوجود آورده است:
با این رخ افروخته هر جا خرامان بگذری از باد دامن می‌کنی روشن چراغ مرده را
(همان: ص ۱۷).

در بیت زیر نیز همین متناقض‌نما تکرار شده است؛ باد موجب روشن شدن چراغ ضعیفان شده است:
ز بس عالم آراست از عدل و داد چراغ ضعیفان فروزد ز باد
(همان: ص ۴۴۳).

آباد شدن ویرانه توسط سیل

در دو بیت زیر آبادی به سیل، که مایه ویرانی است، نسبت داده شده است. در بیت اول، ویرانه شاعر (خود او) در صورتی آبادان می‌شود که سیل در جریان باشد. در بیت دوم نیز سیلاب موجب آبادانی خانه در دیار عشق می‌شود. شاعر با نسبت دادن آبادانی به سیل، متناقض‌نما خلق کرده است:

تا نمی‌گیریم چراغ دیده‌ام را نور نیست سیل اگر باز ایستد ویرانه‌ام معمور نیست
(همان: ص ۷۱).

هیچ جا بهر وطن همچون دیار عشق نیست خانه در آن ملک از سیلاب آبادان شود
(همان: ص ۱۹۹).

بلندآوازی از پستی / آوازه در اقلیم گمنامی

معمولاً پستی و گمنامی موجب ناشناخته ماندن افراد می‌شود، درحالی‌که شاعر نظری خلاف این مسئله دارد و معتقد است که پستی و گمنامی موجب آوازه و شهرت او شده است. بدین‌گونه شاعر تعبیری متناقض‌نما خلق کرده است:

نیم در فکر بالادستی خویش بلندآوازه‌ام از پستی خویش
(همان: ص ۴۸۹).

در بیت زیر نیز پارادوکس آوازه در اقلیم گمنامی تکرار شده است:
صاحب آوازه در اقلیم گمنامی منم نام خود را از زبان هیچ کس نشنیده‌ام
(همان: ص ۲۴۵).

دانایی و تعلیم نادانی

تیزهوشی و فهم بالا در کسب علم و دانش و عالم شدن انسانها نقش بی‌بدیلی دارد. باوجوداین شاعر با آوردن تعبیری متناقض، فهمیدگی را عاملی برای نادانی قلمداد کرده است تا بدین وسیله عیب‌پوشی را در مصراع اول توجیه کند:

نکته‌سنجی چیست؟ عیب کس نفهمیدن بود میکند فهمیدگی تعلیم نادانی مرا
(همان: ص ۱۱).

پیدا و پنهان بودن

اگر چیزی خیلی لطیف و ظریف یا زیاد نزدیک به چشم باشد، دیده نمی‌شود. در بیت زیر، شاعر با آوردن شیشه و مهر، خود را پنهان و پیدا خوانده است و تعبیری پارادوکسیکال بوجود آورده است:
چو مینا خون من بادا حلالت گر یکی نبود بسان شیشه در مهرت یکی پنهان و پیدایم
(همان: ص ۲۸۲).

لباس و عریانی

لباس و جامه پوششی است که همواره حافظ بدن انسان از برهنگی و بی‌حفاظی بوده است. در بیت زیر، شاعر با خلق تعبیری پارادوکسیکال عریانی را لباس نو خود خوانده است:
هم کهن شد، هم مکرر جامه ناموس و ننگ گر دلم خواهد لباسی نو کنم عریان شوم
(همان: ص ۲۷۹).

خوشحالی از غم

معمولاً بی‌غم و اندوه بودن برای شاعران عارف و عاشق، مایه غم و ناراحتی و عذاب است. بدین گونه شاعر در بیت زیر، از اینکه دلی غمگین دارد، ابراز خوشحالی میکند و تعبیری پارادوکسیکال در شعرش بکار برده است:
دلشاد از آنم که دل شاد ندارم وارسته منم، خاطر آزاد ندارم
(همان: ص ۲۶۱).

متناقض‌نماهای ترکیبی در شعر کلیم

متناقض‌نماهای ترکیبی، نوع دیگر متناقض‌نمای محتوایی است. «در این هنر بیانی دو روی یک ترکیب بلحاظ مفهوم، یکدیگر را نقض میکنند» (شاعر آیینها، شفیع‌ی کدکنی: ص ۵۴). این ترکیبات اضافی، بلحاظ مفهوم، دارای تناقض و ناسازواری هستند و اگرچه در منطق، چنین بیان نقیضی عیب محسوب میشود، در هنر، اوج تعالی است (پارادوکس محتوایی در شعر فارسی، گلی و بافکر: ص ۱۴۱). در شعر کلیم این نوع متناقض‌نما بسامد کمتری دارد، بطوری‌که حدود ۱۷ درصد از متناقض‌نماهای مستخرج از دیوان او از این نوع هستند. در ادامه تعدادی از ابیات دارای متناقض‌نمای ترکیبی ذکر و تشریح شده است:

گنج فقر

فقر با گنج و ثروت تناقض دارد؛ اما در اندیشه شاعر فقر به انسان مقام و مرتبه ثروتمندان را میدهد. شاعر با این تفکر ترکیب متناقض گنج فقر را خلق کرده و به داشتن آن افتخار میکند:
بس که خرسندم ز گنج فقر کآسبش مباد نعمت الوان بود غمهای رنگارنگ من
(همان: ص ۳۰۷).

برگ بی‌برگی / متاع بی‌برگی

برگ بی‌برگی و متاع بی‌برگی دو ترکیب متناقض هستند که شاعر در ابیات زیر بکار برده است. در بیت نخست، تمام دارایی و توان شاعر، فقر و نیازمندی اوست و در بیت دوم، تنها کالایی که در خانه او یافت میشود، کالای فقر و نیازمندی است. این دو ترکیب بصورت متناقض‌نما بکار رفته‌اند:

برگ بی‌برگی است و بار بار خاطر است
باد یارب روزی برق بلا برگ و برم
(همان: ص ۲۶۲).

هنوز کلبه من از متاع بی‌برگی
چنان پُر است که صد جغد، خنده‌دار من است
(همان: ص ۴۷).

جامهٔ عربیانی / قبای عربیانی

معمولاً لباس و قبا پوششی برای انسان است؛ ولی شاعر در ابیات زیر جامه و قبا را با عربیانی ترکیب کرده که هیچ‌گونه پوششی را شامل نمیشود، بدین‌گونه دو امر متناقض را در کنار هم جمع کرده و دو ترکیب متناقض ساخته است:

هست چهل سال که میپوشم
کهنه نشد جامهٔ عربیانی
(همان: ص ۲۸۸).

بهار آمد یارب چه رهن باده کنم
مرا که جامهٔ عیدی قبای عربیانی است
(همان: ص ۶۴).

طیب مرگ

دیدگاهها و فلسفه‌های گوناگونی در مواجهه با مسئلهٔ مرگ وجود دارد؛ برخی از مرگ میترسند، برخی به مرگ اعتنایی نمیکنند و برخی هم به استقبال مرگ میروند. کلیم در ابیات زیر با نسبت دادن طبابت به مرگ، او را خوشقدم خوانده و متناقض‌نمایی ترکیبی ساخته است:

به بالین هر آن بیمار که آمد از الم رسته
طیب مرگ هر جا می‌رود یمن قدم دارد
(همان: ص ۱۰۹).

فیض دم مسیح به دل مردگان گذار
آمد طیب مرگ، تلاش دوا بس است
(همان: ص ۳۹).

وجود عدم

وجود و عدم دو واژهٔ کاملاً متضاد هستند که در بیت زیر در ترکیبی اضافی در کنار هم بکار رفته‌اند. کشور وجود عدم یعنی کشوری که هم وجود دارد و هم وجود ندارد و این گونه پارادوکس ساخته شده است:
در کشور وجود عدم گرچه تنگ نیست
آسوده‌تر کسی‌ست که جا بیشتر گرفت
(همان: ص ۹۱).

نامدار بینشان

نامدار کسی است که صاحب نام و آوازه است، حال اینکه شاعر نامدار را با صفت «بینشان» بکار برده است و بدین‌وسیله ترکیبی متناقض خلق کرده است.
در جهان گر اهل دل خواهی نشانت میدهم
نامدار بینشان مانند حرف مضمهر است
(همان: ص ۴۳۷).

متناقض‌نمای زیبایی‌شناسی

متناقض‌نمای زیبایی‌شناسی صرفاً یکی از شیوه‌های آشنایی‌زدایی و زیبایی‌آفرینی زبانی است و به مضمون و مفاهیم متناقض ربطی ندارد؛ یعنی در معنی، تناقض وجود ندارد، اما در آن الفاظی است که در یک معنی با هم تناقض دارند و در معنی دیگر متناقض نیستند (متناقض‌نما در ادبیات، وحیدیان کامیار: ص ۲۸۶). در واقع با وجود مغایرت مفهومی و ضدیت در ظاهر، در نفس امر وحدتی وجود دارد که ناشی از مبانی عرفانی و اعتقادی با استفاده از تعابیر تشبیهی و کنایی است (نقد بدیع، فشارکی: ص ۹۶). بطور کلی ترکیب پارادوکس با دیگر صنایع بیانی و بدیعی، کلام را زیباتر و دلنشین‌تر میکند و ذهن مخاطب را برای دریافت حقیقت نهفته در بطن کلام کنجکاو، و لذت دریافت آن را دوجندان مینماید. این طرز کلام در اشعار کلیم کاشانی بشکل هنرمندانه بکار رفته و زیبایی و لطف کلام او را مضاعف کرده است. متناقض‌نمای زیبایی‌شناسی را در اشعار کلیم کاشانی میتوان به دو گونه بیانی و بدیعی تقسیم کرد.

متناقض‌نمایی که بر اساس شیوه‌های بیانی است:

این متناقض‌نماها پنج گونه هستند:

• بر مبنای تشبیه

در این نوع متناقض‌نما مشبه‌به چنان انتخاب میشود که با واژه‌ای در شعر تناقض ایجاد کند و با حذف مشبه‌به، تناقض (در حقیقت متناقض‌نما) از میان برود (متناقض‌نما در ادبیات، وحیدیان کامیار: ص ۲۸۴). برای نمونه در بیت زیر، لطف قهرش که ترکیبی متناقض‌نما است به آب و آتش تشبیه شده است:

جهان یابد از لطف قهرش قوام چو گرمابه از آب و آتش نظام

(همان: ص ۵۰۴).

در بیت زیر نیز، گنج فقر اضافه تشبیهی است و در کنار هم ترکیبی متناقض‌نما بوجود آورده‌اند:

بس که خرسندم ز گنج فقر کاسیش مباد نعمت الوان بود غمهای رنگارنگ من

(همان: ص ۳۰۷).

در بیت زیر نیز، خراب‌آباد دنیا اضافه تشبیهی است. مشبه‌به «خراب‌آباد» نیز ترکیبی متناقض‌نما است.

نه سزاوار حرم نه لایق بتخانهم در خراب‌آباد دنیا جغد بی ویرانه‌ام

(همان: ص ۲۴۷).

• بر مبنای کنایه

در این نوع از متناقض‌نمای زیبایی‌شناسی، مکنی‌به (الفاظ و معنای ظاهری) چنان انتخاب میشود که با ترکیب یا جمله‌ای در کلام تناقض ایجاد کند و با حذف مکنی‌به تناقض (در حقیقت متناقض‌نما) از میان برود (پارادوکس محتوایی در شعر فارسی، گلی و بافکر: ص ۱۴۵). برای نمونه در بیت زیر، خنده کنایه از خوشحالی، سرور و شادی است که در این بیت در تقابل با شیون، تعبیری متناقض‌نما بوجود آورده‌اند:

با جرس گویی در این ماتمسرا همطالم خنده هر گه بر لب ما جا کند شیون شود

(همان: ص ۲۰۱).

تیره‌شب کنایه از بدبختی و بیچارگی و صبح‌نمایی کنایه از روشنی؛ این دو واژه، تعبیری پارادوکسیکال بوجود می‌آورند برای نشان دادن اوج دورویی و ریاکاری زاهدان.

زاهد که بود تیره‌شب صبح‌نمایی
در ظاهر پاک آینه روی و ربایی
(همان: ص ۵۵۶).

خاک‌نشینان کنایه است از «انسانهای پاکدامن و عارفان» که به ظاهر زمینی هستند ولی در واقع فلکسیر و آسمانی میباشند. خاک‌نشینان زمینی در تقابل با فلکسیران که آسمانی هستند، ترکیبی متناقض‌نما بوجود می‌آورند:

گر خاک‌نشینان فلکسیر نباشند
بر چرخ پس این جاذه کاهکشان چیست؟
(همان: ص ۶۶).

بر مبنای استعاره

در این نوع از متناقض‌نماهای زیبایی‌شناسی، مستعارمنه چنان انتخاب میشود که با واژه‌ای در شعر، تناقض ایجاد کند و با حذف مستعارمنه تناقض (در حقیقت متناقض‌نما) از بین برود (پارادوکس محتوایی در شعر فارسی، گلی و بافکر: ص ۱۴۴). برای نمونه در شعر زیر، قبای عربانی استعاره از بی‌لباسی و برهنگی است؛ این ترکیب که مستعارمنه محسوب میشود با جامه عیدی در تناقض است و با هم شگرد متناقض‌نمایی را خلق میکنند:

بهار آمد یا رب چه رهن باده کنم
مرا که جامه عیدی قبای عربانی است
(همان: ص ۶۴).

در این بیت نیز، محنتسرا استعاره از دنیا است و با صفت تنگ‌عرصه متناقض‌نما میسازد:

در این محنت‌سرای تنگ‌عرصه
از آن ننشست نقش ما که جا نیست
(همان: ص ۶۷).

در این بیت نیز چراغ مرده استعاره از چراغ خاموش است که در تقابل با روشن شدن با باد دامن، ترکیب پارادوکسی ایجاد میکنند:

با این رخ افروخته هر جا خرامان بگذری
از باد دامن میکنی روشن چراغ مرده را
(همان: ص ۱۷).

در دو بیت زیر، ترکیب متناقض‌نمای طیب مرگ بکار رفته است که هر دو ترکیب اضافه استعاره هستند:

به بالین هر آن بیمار که آمد از الم رسته
طیب مرگ هر جا میرود یمن قدم دارد
(همان: ص ۱۰۹).

فیض دم مسیح به دل مردگان گذار
آمد طیب مرگ، تلاش دوا بس است
(همان: ص ۳۹).

بر مبنای مجاز

آن است که در ترکیب بجای یک واژه، مترادف آن را بیاورند؛ مترادفی که با واژه دیگر در یک معنی تناقض داشته باشد و در معنی اصلی بدون تناقض باشد (متناقض‌نما در ادبیات، وحیدیان کامکار: ص ۲۸۴). مانند: جهانی از او منعمند و او مفلس؛ جهان مجاز از مردم جهان است که از کرم یک انسان مفلس، منعم و ثروتمند شده‌اند و ترکیبی متناقض‌نما ساخته شده است:

جهانی از کرمش منعمند و او مفلس
در آفتاب نشینند درخت سایه‌فکن
(همان: ص ۳۹۰).

بر مبنای دووجهی (استعاره و تشبیه)، (کنایه و تشبیه)

در این نوع از متناقض‌نمای زیبایی‌شناسی، مستعارمنه، مکنی‌به و مشبه‌به چنان انتخاب می‌شود که با هم در شعر تناقض ایجاد کند و با حذف مستعارمنه، مکنی‌به و مشبه‌به تناقض (در حقیقت متناقض‌نما) از میان برود؛ برای نمونه در بیت زیر، دیار فقر و جوشن عریانی.

دیار فقر: اضافه تشبیهی است و عریانی استعاره از ترک وابستگی‌های دنیوی و مجرد شدن از تعلقات است:
در دیار فقر کانجا جوشن از عریان تنی‌ست حامی شمع از خطر فانوس بی‌پیراهن است
(همان: ص ۴۵).

در بیت زیر نیز، خرقة عریانی اضافه تشبیهی است و دست جنون اضافه استعاری است:
خرقة عریانی از دست جنون پوشیده‌ام قیمتم هرگز نخواهد راست شد با پیرهن
(همان: ص ۳۰۸).

در بیت زیر، نامدار بینشان که ترکیبی متناقض‌نما است، کنایه از اهل دل و انسانهای بی‌ادعا است، همچنین برای مشبه‌به (حرف مضمر)، مشبه است.
در جهان گر اهل دل خواهی نشانت می‌دهم نامدار بینشان مانند حرف مضمر است
(همان: ص ۴۳۷).

متناقض‌نمایی که بر اساس صنایع بدیعی است

این‌گونه متناقض‌نماها در اشعار کلیم کاشانی دو گونه هستند:

• بر مبنای ایهام

آن است که در کلام واژه‌ای را بیاورند که دارای ایهام است؛ واژه‌ای که در یک معنی با کلمه، ترکیب و جمله‌ای از کلام تناقض داشته باشد و در معنی دیگر بدون تناقض باشد (پارادوکس محتوایی در شعر فارسی، گلی و بافکر: ص ۱۴۶). برای نمونه در بیت زیر جمع آمدن با پریشانی تناقض می‌سازند؛ جمع دارای دو معنی است: در معنی جمعیت خاطر با پریشانی تناقض می‌سازد و در معنی گروه و جمعیت تناقض برطرف می‌شود:
دشمنت در گوشه‌ای از مملکت گرچه جمع آمد، پریشان بازگشت
(همان: ص ۵۳۸).

• بر مبنای اغراق و غلو

این نوع از متناقض‌نماها در اثر اغراق و غلو بوجود می‌آید؛ برای نمونه، چراغ ضعیفان فرورد ز باد، شاعر با استفاده از اغراق و غلو به خلق پارادوکس پرداخته است: آراستن و رواج عدل و عدالت در کشور- توسط شاه جهان- تا بحدی است که چراغ ضعیفان را از باد روشن می‌کند، درحالی‌که باد موجب خاموش شدن چراغ است نه افروخته شدن آن:

ز بس عالم آراست از عدل و داد چراغ ضعیفان فرورد ز باد
(همان: ص ۴۴۳).

در بیت زیر نیز پایه‌های پارادوکس به شیوه اغراق‌آمیز ساخته شده‌اند؛ شب‌پره که همواره از آفتاب و نور گریزان است بخاطر تیرگی روزگار شاعر، آفتاب را در آغوش می‌گیرد:
بس که ز تیره‌روز من دهر گرفته تیرگی شب‌پره تنگ در بغل می‌کند آفتاب را
(همان: ص ۴).

متناقض‌نما از دیدگاه ارتباط دوسویه آن در شعر کلیم

متناقض‌نماهای موجود در اشعار کلیم کاشانی را با توجه به فاصله میان دوسویه متناقض‌نما میتوان به سه نوع متناقض‌نمای نزدیک و متناقض‌نمای اسنادی و متناقض‌نمای دور تقسیم کرد. در ادامه این متناقض‌نماها به انواع مختلف تقسیم و برای هر کدام مثالهایی ذکر شده است.

متناقض‌نمای نزدیک

متناقض‌نمایی است که دو سویه آن نزدیک به یکدیگر در یک اسناد یا ترکیب بیابند (متناقض‌نما در شعر سبک آذربایجانی، اسکوبی: ص ۱۱۰). این نوع متناقض‌نما خود به گونه‌های مختلف تقسیم میشود که در ادامه ذکر شده‌اند.

متناقض‌نمای ترکیبی

گاهی مفهوم یک جمله پارادوکسی، خلاصه و فشرده بصورت ترکیبی درمیآید که درعینحال حاوی دو مفهوم متناقض است. «این ترکیبها اغلب تصویرهای خیالی میسازند که در نهایت ظرافت و دقت، از زیبایی فراوانی برخوردار و نشانه وسعت خیال گوینده و احساس بیان‌ناپذیر او هستند. تصویرهایی را که از این ترکیبها حاصل میشود، تصویرهای پارادوکسی مینامند» (واژه‌نامه هنر شاعری، میرصادقی: ص ۴۶). این ترکیبات بشکل موصوف و صفت و هم در قالب مضاف و مضاف‌الیه در شعر کلیم بکار رفته‌اند:

موصوف و صفت

اضافه وصفی موجزترین شکل متناقض‌نما و بنوعی زیباترین نوع آن است. اضافه وصفی بشکل ترکیب دو صفت مانند خراب‌آباد و موصوف و صفت مانند ساز بی‌آهنگ در شعر کلیم دیده میشوند:

خراب‌آباد: متناقض‌نمای ترکیبی از دو صفت ساخته شده است؛

نه سزاوار حرم نه لایق بتخانه‌ام
در خراب‌آباد دنیا جغد بی‌ویرانه‌ام
(همان: ص ۲۴۷).

ساز بی‌آهنگ: متناقض‌نمای ترکیبی از موصوف و صفت ساخته شده است؛

ساز بی‌آهنگم و یکسر نوایم خارج است
گر نوازش یابم از ایام، رسوا میشوم
(همان: ص ۲۷۹).

روز سیه: متناقض‌نمای ترکیبی ساخته‌شده از موصوف و صفت؛

گرد راه روشنایی‌بخش آن خورشید وقت
در میان دیده و روز سیه حایل شده
(همان: ص ۵۵۱).

مضاف و مضاف‌الیه

متاع بی‌برگی: متناقض‌نمای ترکیبی از مضاف و مضاف‌الیه؛

هنوز کلبه من از متاع بی‌برگی
چنان پُر است که صد جغد، خانه‌دار من است
(همان: ص ۴۷).

برگ بی‌برگی: متناقض‌نمای ترکیبی از مضاف و مضاف‌الیه؛

برگ بی‌برگی است و بار بار خاطر است
باد یا رب روزی برق بلا برگ و برم
(همان: ص ۲۶۲).

قبای عریانی: متناقض‌نمای ترکیبی از مضاف و مضاف‌الیه؛
بهار آمد یا رب چه رهن باده کنم
مرا که جامه عیدی قبا‌ی عریانی است
(همان: ص ۶۴).

خرقه عریانی: متناقض‌نمای ترکیبی از مضاف و مضاف‌الیه؛
خرقه عریانی از دست جنون پوشیده‌ام
قیمتم هرگز نخواهد راست شد با پیرهن
(همان: ص ۳۰۸).

متناقض‌نمای اسنادی

این نوع متناقض‌نما در سطح یک جمله رخ میدهد و از اسناد اجزای متناقض به هم در جمله حاصل میشود، به نوعی که اسناد اجزاء جمله به یکدیگر عقلاً محال مینماید. این اسناد پارادوکسی در بین اجزاء مختلف کلام با یکدیگر حاصل میشود (متناقض‌نما در شعر سبک آذربایجانی، اسکویی: ص ۱۱۶). در ادامه انواع مختلف این گونه متناقض‌نما در شعر کلیم بیان شده است:

اسناد مسندالیه به مسند

دل کافران در این دیار مسلمان است: در این بیت مسلمان به دل کافران اسناد داده شده است؛
شکست خاطر موری روا نمیدارند
در این دیار دل کافران مسلمان است
(دیوان کلیم: ص ۳۷۲).

طایر تصویر پر دارد ولیکن بی‌پر است: بی‌پری را به نقاشی پرداز اسناد داده است؛
اهل صورت هیچ از سامان توانگر نیستند
طایر تصویر پر دارد ولیکن بی‌پر است
(همان: ص ۴۳۲).

اسناد متمم به مسند

در بیت زیر، شاعر میگوید من در اقلیم گمنامی صاحب آوازه هستم؛
صاحب آوازه در اقلیم گمنامی منم
نام خود را از زبان هیچ کس نشنیده‌ام
(همان: ص ۲۴۵).

در بیت زیر، شاعر میگوید: در شهر ما خانه‌ها از روزن تاریک میشوند؛
دیده تا باز است راه نور بر دل بسته است
خانه‌ها در شهر ما تاریک از روزن شود
(همان: ص ۲۰۱).

اسناد فاعل به مفعول

در بیت زیر، شب‌پره آفتاب را در آغوش گرفته است؛
بس که ز تیره‌روز من دهر گرفته تیرگی
شب‌پره تنگ در بغل میکند آفتاب را
(همان: ص ۴).

اسناد فاعل به متمم

در بیت زیر، صبح خاطر از شام غریبان روشن شده است؛

خاک در مزاجم آب حیوان میشود
صبح خاطر روشن از شام غریبان میشود
(همان: ص ۲۰۶).

در این بیت نیز، شاعر پستی خود را مایه بلندآوازی خویش میدانند؛

نیم در فکر بالادستی خویش
بلندآوازه‌ام از پستی خویش
(همان: ص ۴۸۹).

اسناد مفعول به متمم

کسی اکسیر را بر خاک نمیریزد؛

انتظار ساغر از ساقی مکش دیگر کلیم
فکر خود کن، کس نمیریزد به خاک اکسیر را
(همان: ص ۶).

در بیت زیر، شیخ شهر، دست ز دنیا کشیده را بر گردن هزار تمنا افکنده است؛

در گردن هزار تمنا فکنده‌ای
ای شیخ شهر، دست ز دنیا کشیده را
(همان: ص ۱۸).

در بیت زیر نیز، از جوهر، بی‌جوهری را نشان داده است؛

بجا آورد حق مادری را
نمود از جوهرش بی‌جوهری را
(همان: ص ۴۹۵).

عطف دو معطوف متناقض به هم

این نوع متناقض در شعر کلیم، از کلمه هم‌نقش متناقض و یا دو جمله همسان متضاد ساخته میشود؛

مثل عطف «آبروی اعتبار و بی‌اعتبار» در بیت زیر؛
آبروی اعتبار از ما و ما بی‌اعتبار
آب، خود بی‌قیمت و قیمت‌فزای گوهر است
(همان: ص ۴۳۳).

یا در بیت زیر، دیوانه آمدن و عاقل رفتن؛

فیض کوی میفروش این بس کز آسیب خمار
بر درش دیوانه می‌آییم و عاقل می‌رویم
(همان: ص ۲۹۲).

همچنین پیدا و پنهان در بیت زیر؛

چو مینا خون من بادا حلالیت گر یکی نبود
بسان شیشه در مه‌ت یکی پنهان و پیدایم
(همان: ص ۲۸۲).

متناقض‌نمای دور

اما متناقض‌نمای دور آن است که دو سویه آن دور از هم، در دو اسناد مختلف یا حتی در دو کلام مختلف و متفاوت بیابند. مثلاً در بیت زیر، شاعر در مصراع اول پادشاه را میزان جهان میخواند، در حالیکه در مصراع دوم او را بر خوان فقر نشان میدهد:

میزان است اگرچه عالم را
بر سر خوان فقر مهمان است
(همان: ص ۵۴۸).

متناقض‌نما از دیدگاه عرفانی

متناقض‌نمایی یکی از دیرینه‌ترین روش‌های بیان تجربه عاشقانه و عارفانه بوده است. عرفا، مفاهیم و دریافتهای درونی خود را نمیتوانستند با همان کلمات و قوانین معمول زبان بیان کنند، بناچار به هنجارشکنی و شکستن معیارهای زبانی روی آوردند. ادب عرفانی بویژه شطحیات شگفت‌عرفای دلسوخته، عمده‌ترین سرچشمه‌های این آرایه هنری هستند. در واقع «شطحیات صوفیان جملات متناقض‌نمایی است که قابل توجه هستند و اگر توجه نشوند باعث اشکال میشوند؛ چون جمله معروف انا الحق حلاج، قدما از پارادوکس با تعبیر مختلف از جمله شطح، طامات و خلاف‌آمد و معما یاد کرده‌اند» (نگاهی تازه به بدیع، شمسیا: ص ۱۱۲). کلیم کاشانی نیز از پارادوکسهای عرفانی در دیوانش بهره برده است. برای نمونه میتوان به پارادوکس برگ بی‌برگی اشاره کرد که دارای تعبیر و تأویل فلسفی و عرفانی است؛ برگ بی‌برگی یا متاع بی‌برگی به معنای توشه فقر و فیض روحانی است.

برگ بی‌برگی است و بار بار خاطر است
باد یارب روزی برق بلا برگ و برم
(دیوان کلیم: ص ۲۶۲)

هنوز کلبه من از متاع بی‌برگی
چنان پُر است که صد جغد، خانه‌دار من است
(همان: ص ۴۷)

درد و درمان

بالاترین نشان سالکان و عاشقان حقیقی درد است، هرچه درد بیشتر، عیار عشق بالاتر (متناقض‌نما در شعر سبک آذربایجانی، اسکویی: ص ۱۲۸). کلیم بارها این متناقض‌نما را در اشعارش بکار برده و دردی را میپسندد که بیدرمان باشد؛ کشنده‌تر ز مرض، منت طبیبان است
خوش است درد به شرطی که بی‌دوا افتد
(دیوان کلیم: ص ۱۰۰)

گنج فقر

استغنا و تجرد از همه تعلقات و مظاهر جهان لازمه عشق است. از اینرو فقیران و درویشان، یعنی آنان که قطع علائق مادی نموده‌اند، در عین گدایی، سلاطین و پادشاهان عالم عشقند و از گنج فقر برخوردار هستند (متناقض‌نما در شعر سبک آذربایجانی، اسکویی: ص ۱۲۹). متناقض‌نمای گنج فقر در بیت زیر از کلیم بهمین منظور بکار رفته است؛
بس که خرسندم ز گنج فقر کآسبش مباد
نعمت الوان بود غمهای رنگارنگ من
(دیوان کلیم: ص ۳۰۷)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی پارادوکس در دیوان اشعار کلیم کاشانی، بر اساس چهار دیدگاه محتوایی، زیبایی‌شناسی، ارتباط و فاصله دوسویه ارکان متناقض، و دیدگاه عرفانی به نتایج زیر رسیده است:
بیش از هشتاد درصد متناقض‌نماهای محتوایی، در اشعار کلیم از نوع تعبیری هستند، که این نوع تعبیر در مقایسه با متناقض‌نماهای ترکیبی، ارزش هنری و زیبایی‌شناسی بیشتری دارند؛ زیرا خواننده برای دریافت حقیقت پنهان در پشت این تصاویر، تلاش و کنجکاوی بیشتری از خود نشان میدهد. درحالی‌که متناقض‌نماهای ترکیبی بدلیل آشکار بودن تناقض از ظاهر ترکیب، تلاش و کنجکاوی کمتری میطلبد؛ از دیدگاه زیبایی‌شناسی متناقض‌نماهای اشعار کلیم معمولاً بصورت ترکیب با دیگر صنایع بیانی و بدیعی بکار رفته‌اند. شیوه‌های بیانی و بدیعی، ذاتاً دارای زیبایی هستند، اما هنگامی که بصورت متناقض‌نما بیان میشوند، زیبایی و تأثیرگذاریشان چندین برابر میشود. در اشعار کلیم، ترکیب متناقض‌نما با صنایع بیانی (تشبیه، کنایه و استعاره) بیشتر و هنرتر از صنایع بدیعی (ابهام و اغراق)

است. از دیدگاه رابطه دوسویه متناقض‌نما، در اشعار کلیم سه نوع متناقض‌نمای نزدیک، اسنادی و دور وجود دارد که بدلیل حجم کمتر متناقض‌نمای ترکیبی نسبت به تعبیری، گونه نزدیک (موصوف و صفت و مضاف و مضاف‌الیه) بسامد کمتری دارند و نسبت به گونه اسنادی (اسناد مسندالیه به مسند، متمم به مسند، فاعل به مفعول، فاعل به متمم، مفعول به متمم و عطف دو متناقض به هم) از تنوع و بسامد بیشتری برخوردار است. گونه متناقض‌نمای دور نیز دارای بسامد بسیار پایینی در اشعار کلیم است. هر چند کلیم در اشعارش وارد حوزه شطح و طامات نشده است، ولی یکی از مهمترین دلایل وجود تصویرهای پارادوکسی در اشعار او، بیان معانی و حقایق عالی عرفانی، علی‌الخصوص موارد مربوط به فقر و فنا، و وحدت وجود است که اغلب موضوعات و مضامینی انتزاعی هستند و زبان عادی از بیان آنها قاصر است. بطور کلی شناخت پارادوکسها و تفسیر آنها ما را با اندیشه و زبان شعری کلیم بیشتر آشنا میسازد و بالطبع در درک و شناخت سبک، مفهوم و ویژگیهای موضوعی و مضمونی دیوان او کمک میکند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد استخراج شده است. آقای دکتر اصغر رضاپوریان راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زهره راحمی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمد حکیم آذر نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES:

Azar Bigdeli, Lotfali Beg. (1999). *Atashkade-ye Azar biography*, Tehran: Amirkabir, p570.

- Chenari, Amir (1998). *Contradictions in Persian Poetry*, Tehran: Farzan-e Rooz, p 68.
- Fesharaki, Mohammad. (2016). *Critical Badi'e*, Tehran: Samt, p 96.
- Goli, Ahmad. Bafker, Sardar. (2018). "Content Paradox in Persian Poetry", *Bustan Adab*, 10 (2), pp. 129-152.
- Esmaili, Murad. Hassanpour Alashti, Hussein. (2016). "Investigation of Increasing Reasons for the Frequency of Paradox in Indian Style" *Quarterly Journal of Subcontinental Studies*, Sistan and Baluchestan University, 8 (27), pp. 7-24.
- Kaleem, Mirza Aboutaleb. (2012). *Divan Kaleem Kashani*, edited by Hossein Parto Beizai, Tehran: Sanai Library.
- Kazazi, Mir Jalaluddin. (1993). *Aesthetics of Persian speech*, Tehran: Markaz Publishing, p 185.
- Mirsadeqi, Meymanet. (1997). *Dictionary of Poetic Art*, Tehran: Mahnaz Book, p 46.
- Rastgu, Seyyed Mohammad. (1989). "Khalafamad" *Keyhan Farhangi*, 6 (9), pp. 32-29.
- Scooby, Narges. (2014). "Contradictions in Azerbaijani style poetry" *Literary Research Textbook*, 18 (61), pp. 134-107.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (2010). *Poet of Mirrors*, Tehran: Agah, p 54.
- Shamisa, Sirius. (2004). *A new look at Badi'e*, Tehran: Mitra, p 111, 112.
- Vahidian Kamyar, Taqi. (1997). "Contradiction in Literature" *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, Ferdowsi University of Mashhad, Nos. 3 and 4, pp. 271-294.

فهرست منابع

- آتشکده آذر، آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ. (۱۳۷۸). تهران: امیرکبیر.
- «بررسی دلایل افزونی بسامد پارادوکس در سبک هندی»، اسماعیلی، مراد. حسن پور آلاشتی، حسین. (۱۳۹۵). *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۲۴-۷.
- «پارادوکس محتوایی در شعر فارسی»، گلی، احمد. بافکر، سردار. (۱۳۹۷). *بوستان ادب*، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۵۲-۱۲۹.
- «خلاف آمد»، راستگو، سیدمحمد. (۱۳۶۸). *کیهان فرهنگی*، سال ششم، شماره ۹، صص ۳۲-۲۹.
- دیوان کلیم کاشانی، کلیم، میرزا ابوطالب. (۱۳۹۱). به تصحیح حسین پرتو بیضایی، تهران: کتابخانه سنایی.
- زیباشناسی سخن پارسی (بدیع)، کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۲). تهران: نشر مرکز.
- شاعر آینه‌ها، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). چاپ ۹، تهران: آگاه.
- متناقض‌نمایی در شعر فارسی، چناری، امیر. (۱۳۷۷). تهران: فرزانه روز.
- «متناقض‌نما در ادبیات»، وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۶). *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۳ و ۴، صص ۲۷۱-۲۹۴.

«متناقض‌نما در شعر سبک آذربایجانی»، اسکوبی، نرگس. (۱۳۹۳). متن پژوهی/ادبی، سال ۱۸، شماره ۶۱، صص ۱۰۷-۱۳۴.

نقد بدیع، فشارکی، محمد. (۱۳۹۵). تهران: سمت.

نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). تهران: میترا.

واژه‌نامه هنر شاعری، میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۶). تهران: کتاب مهنناز.

معرفی نویسندگان

زهره راحمی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد شهر کرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

(Email: zohrearahemi@yahoo.com)

اصغر رضاپوریان: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

(نویسنده مسئول: rezapourian@gmail.com)

محمد حکیم آذر: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

(Email: Hakimazar@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Zohreh Rahemi: PhD student in Persian language and literature, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

(Email: zohrearahemi@yahoo.com)

Asgar Rezapourian: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

(Email: rezapourian@gmail.com Responsible author)

Mohammad Hakim Azar: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

(Email: Hakimazar@gmail.com)